

کارگاه داستان جوانه‌ها



عاطفه رنگ امیز

کارشناس ارشد ادبیات کودک و نوجوان

در یک اثر داستانی «کشمکش»، درواقع به‌عنوان نیروی محرکه‌وپیش برنده‌آن مطرح است. «کشمکش» عاملی است که باعث می‌شود مخاطب ادامه داستان را بخواند تا از سرانجام و سرنوشت شخصیت‌ها باخبر شود. اگر در یک داستان همه‌چیز بر وفق مراد پیش برود و همه شخصیت‌ها کنار هم بدون هیچ فراز و فرودی زندگی کنند داستان ملال‌آور می‌شود. مخاطب می‌خواهد بداند دو شخصیت داستان تا کجا باهم صمیمی حرف می‌زنند یا در چه مرحله‌ای رابطه‌آن‌ها دستخوش تغییر می‌شود.

«غزاله ناجی» عضو ارشد مرکز تخصصی ادبیات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشهد، در داستان کوتاه «منزل» رابطه زن و شوهری سال‌خورده که بعد از سال‌ها زندگی در آستانه جدایی قرار دارند را به تصویر کشیده است. «کلب ممد» و همسرش که آن‌قدر او را «منزل» صدا زده است که همه اسم اصلی‌اش را فراموش کرده‌اند با سکوت طولانی‌اش به این کشمکش بیشتر دامن می‌زند تا با درگیری لفظی.

در ادامه باهم بخشی از این داستان را می‌خوانیم

پرسی از داستان کوتاه «منزل»

کلب ممد او را توی حیاط دید و رگ غیرتش باد کرد و دیگر نگذاشت «منزل» پوستین بدوزد. یک‌تکه از ملاقه سفید را پاره کرد و پیچید دور دست چپش و رفت دنبال کار. حالا بعد از این همه سال زندگی و ۶ دختر خانه‌دار که بزرگشان ۴۵ سالش بود، حرف منزل، خیلی برایش سنگین آمد. شب چله دختر و دامادها و عروس‌ها ریختند خانه تا منزل و کلب ممد را آشتی بدهند. منبر که بعد از منزل، بزرگ جمع به حساب می‌آمد پادرمیانی کرد و سر حرف آشتی را باز کرد. د کلب ممد، زل زده بود به گل‌های قالی و با انگشت‌هایش بازی می‌کرد. منزل هم زیر چشمی به او نگاه می‌کرد و گره روسری‌اش را سفت‌تر می‌کرد. کلب ممد چیزی نگفت و با انگشت‌های نصفه‌اش دستی به موهای خاکستری – سفیدش کشید که دور سرش را قاب گرفته بودند. منزل که کلب ممد حرف می‌نمی‌زد، پایش را کرد توی یک کفش و گفت: دیگه جونم به لیم رسیده، مگه ما چقدر دیگه عمر می‌کنیم که آخر عمری‌هی حرص و جوش بخوریم؟ آقا تون از خدا می‌خواد من برم تا دوباره داماد بشه و زن جوون بگیره. سرا به سمت کلب ممد می‌رفت تا ببیند او چه می‌گوید. او باز هم چیزی نگفت. انگار از اول بلد نبود حرف بزند. بعد از دو ساعتی که هر کسی چیزی گفت، «ملیح» برای فردا صبح ساعت ده با منزل توی بنگاه سید قرار گذاشتند. قرار شد پول پیشش را هم ملیح بدهد تا منزل مهر به هزار تومانی‌اش را به پول امروز برگرداند و قرضش را صاف کند. هفت روز گذشت و منزل آخرین دامن را هم توی ساک سربازی مجتبی گذاشت و زیپش را بست. ساک را کنار در اتاق گذاشت و دوباره قیچی آهنی را روی زمین دید. دلش راضی نشد و قیچی باز را بست. کلب ممد جلوی در اتاق ایستاد و بدون آنکه توی اتاق را ببیند، کت سرمه‌ای‌اش را پوشید و از خانه زد بیرون. در که بسته شد منزل یک پز روسری‌اش را جلوی صورتش گرفت و گریه کرد. نیم ساعت بعد که کلب ممد برگشت چراغ‌های خانه خاموش بود...

غلط نویسیم

احجام

به کار بردن این کلمه در معنی حجم‌ها (جمع حجم) درست نیست چون در عربی و متون فارسی و آثار استادان معاصر در این معنی به کار نرفته است در عربی جمع «حجم» «حجوم» است. در فارسی فصیح بهتر است به جای «احجام» از «حجم‌ها» استفاده کنیم.

احسان/ احسان

احسان [ehsan] به معنی «خوبی، نیکی و نیکویی» است جمع کن به احسانی حافظ پریشان را ای شکنج گیسویت مجمع پریشانی

بر گرفته از کتاب «فرهنگ درست نویسی سخن»، تألیف استاد حسن انوری

اسطوره‌های فردوسی و عطار در آثار برنده نوبل ادبیات

اورهان پاموک، نویسنده سرشناس ترکیه‌ای که در سال ۲۰۰۶ جایزه نوبل ادبیات را از آن خود کرد، چگونه از متون کهن ادب فارسی بهره گرفت؟



محمد بهبودی نیا

calture@khorasannews.com

این برنده جایزه نوبل دقیقاً از همین نقطه شروع می‌شود و به قول خودش موفق می‌شود یک کلاژ دادائیستی بسازد به این معنی که شیوه‌پست‌مدرن‌ها را بگیرد و از منابعی مانند مثنوی مولوی و «حسن و عشق» اثر «شیخ غالب»، از عارفان فرقه نقشبندیه ترکیه بهره گیرد و داستان‌هایی خواندنی بنویسد. وی به چگونگی خلق رمان «کتاب سیاه» نیز پرداخت و گفت: پاموک پس از بازگشت از آمریکا کتاب سیاه را منتشر می‌کند. در این کتاب با فرم و محتوایی پیچیده روبه‌رو هستیم. این اثر داستانی، پس از انتشار به شهرت زیادی می‌رسد. پاموک در این اثر، علاوه بر تمرکز بر آثار شرقی و پست‌مدرن به صورت موازی در روایت‌های داستانی‌اش به شهر استانبول هویت بخشیده است. این استاد دانشگاه افزود: پاموک در «کتاب سیاه» یک فصل به نام «چه کسی شمس را کشت؟» دارد که در این فصل ردپای ارتباط شمس و مولانا را مشاهده می‌کنیم.

شاهنامه و «زنی با موهای قرمز»

پورنجفیان در ادامه، گریزی به یکی دیگر از آثار پرتیراژ این نویسنده ترکی‌زبان زد و گفت: در یکی از رمان‌های آخر پاموک با نام «زنی با موهای قرمز» در حوزه تأثیرپذیری از منابع شرقی ما شاهد ار جاع به شاهنامه فردوسی هستیم. این کتاب داستان پسر نوجوانی است که پدرش به دلیل فعالیت‌های سیاسی زندانی می‌شود و مادر خانواده برای این که پسرش کمک خرج خانواده باشد او را به یک چاه‌کن می‌سپارد و اتفاقاتی در طول داستان رخ می‌دهد و پاموک پیرنگ‌هایی از داستان رستم و سهراب (پسر کشی) از شاهنامه و ادیب (پدر کشی) را از اسطوره‌های غربی وارد داستان می‌کند. شخصیت اصلی داستان از تقدیر این دو اسطوره آگاهی پیدا می‌کند و با خودش می‌اندیشد که عاقبت کار او پسر کشی و یا پدر کشی است.

وی افزود: پاموک با آمیختن انواع و اقسام شیوه‌های نویسندگی غربی از متون کهن ایرانی، ترکی و اسلامی استفاده می‌کند و هیچ‌گاه این نوع نوشتن را ناپسند نمی‌داند چون همواره سعی می‌کند رمانی برای همه مردم جهان بنویسد. او نایغ‌های است که با تکیه بر همین تفکر جایزه ادبی نوبل را برنده می‌شود.

این نویسنده معتقد است سنت را نباید کنار بگذاریم بلکه با تکیه به هنرهایی که ریشه در سنت‌ها دارند باید به سراغ به‌روزرسانی هنر رفت.

■ **راز داستان‌های چندبعدی برنده نوبل**
دکتر صفیه خداسی، دیگر سخنران این نشست ادبی نیز اظهار کرد: پاموک ابتدا سراغ فراگیری نقاشی، بعد هنر معماری و سپس به سراغ روزنامه‌نگاری می‌رود اما هیچ کدام از این هنرها را ادامه نمی‌دهد اما از این آموخته‌ها به بهترین شکل ممکن در نوشتن رمان‌هایش بهره می‌برد. در آثار او فضاها و کالبد‌های شهری حرف اول را می‌زنند. او با استفاده از مسئله تاریخ با مهارتی مثال‌زدنی به گذشته نقب می‌زند. این‌ها منابع ذهنی پاموک و شهر استانبول در اصل قهرمان داستان اوست. این استاد زبان و ادبیات فارسی افزود: پاموک به شدت محقق است و برای نوشتن یک صفحه داستان، تحقیقات زیادی انجام می‌دهد. این نویسنده تجارت، هنر، نقاشی و معماری را به خوبی می‌شناسد و از این اطلاعات به نفع داستان‌ش استفاده می‌کند. او همواره به‌عمد به موضوعات شهری می‌پردازد و در یک اثر چندین بار به یک ساختمان اشاره می‌کند تا جایی که آن ساختمان تبدیل به قلب تپنده داستان‌ش می‌شود.

نگارگری و رازورم‌های آن

وی در ادامه با اشاره به بهره‌گیری پاموک از اسطوره‌های ایرانی در داستان‌هایش تأکید کرد: این نویسنده ابتدا دو فلسفه زیستی را روبه‌روی هم قرار می‌دهد و در ادامه وارد قصه می‌شود. او هم‌زمان دو نگاه اسلامی و ویزی به هنر را در کارهایش ارائه می‌دهد. خودش می‌گوید من سال‌های سال به مینیاتورهای اسلامی خیره می‌شدم و از خدوم می‌برسیدم فلسفه‌علاقه من به این آثار چیست؟ ساعت‌ها رستم و سهراب (پسر کشی) از شاهنامه و ادیب (پدر کشی) را از اسطوره‌های غربی وارد داستان می‌کند. شخصیت اصلی داستان از تقدیر این دو اسطوره آگاهی پیدا می‌کند و با خودش می‌اندیشد که عاقبت کار او پسر کشی و یا پدر کشی است.

روایت سفر سیمرغ در کتاب سیاه

خداسی بیان کرد: پاموک در حالی از آثار فاخر ادبیات، نگارگری و هنرهای ایرانی و شرقی در داستان‌هایش بهره می‌برد که بسیاری از نویسندگان ما به آن بی‌تفاوت‌اند که این جای حسرت دارد. این نویسنده با اقرار دادن نقاشی شرقی و غربی در کنار یکدیگر با ریزبینی به دریافت‌هایی می‌رسد و از دل همین هنرهاست که روایت‌های جنایی جذابی خلق می‌کند.

این استاد دانشگاه تصریح کرد: نگاه عمیق اوو



نوع بیان‌گری‌اش به شدت خلاقانه است و همین مهارت است که غربی‌ها را خیره می‌کند. نوع اقتباس و بیان‌گری پاموک بسیار خلاقانه است. او در کتاب سیاه روایتی از سفر سیمرغ را با تیزهوشی به‌روزرسانی می‌کند و این روایت‌ها را در قالب زندگی یک خبرنگار بیان می‌کند. روزنامه‌نگار این داستان ابتدا درباره موضوعات روز صحبت می‌کند و بعد به جست‌وجوی خود بودن و سفر سیمرغ می‌پردازد. پاموک در دل این داستان دقیقاً به سفر سیمرغ و ادبیات فارسی اشاره می‌کند. همچنین در «احیاء علوم الدین»، اثر غزالی روایت کوتاهی آمده است که این نویسنده در کتاب سیاه به آن اشاره کرده است.

خداسی در پایان گفت: کاش این کتاب‌ها را که نویسندگان بزرگ دنیا بر پایه ادبیات فارسی نوشته‌اند، در کارگاه‌های آموزش نویسندگی و نشست‌های تخصصی ادبیات بخوانیم تا همه از واقعیت‌ها و تأثیر ادبیات کهن ایران بر آثار مشهور جهان باخبر شوند.

✚ خبر مرتبط

فعالیت مکتب‌خانه ادبی خراسان از تابستان ۱۴۰۱ رسماً شروع شد. این مکتب‌خانه با رویکرد بهره گرفتن از میراث فرهنگی، بومی و ملی پیشینیان بنیان‌گذاری شده و تمرکز خود را بیشتر بر داستان‌نویسی بر پایه حوزه اقلیم نویسی گذاشته است. این نشست ادبی در ادامه سعی دارد اقلیم نویسی را به معیارهای جهانی ادبیات داستانی پیوند بزند. به همت مکتب‌خانه ادبی خراسان تا امروز چندین جلسه با حضور نویسندگان صاحب سبک اقلیم‌نویسی برگزار شده است. این سلسله جلسات چهارشنبه‌ها ساعت ۱۶ با حضور نویسندگان، منتقدان و استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی در کتابخانه قطب علمی دانشگاه فردوسی مشهد برگزار می‌شود.

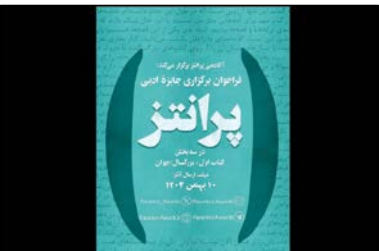


بررسی عناوین ۸۰ کتابخانه از سراسر جهان ۷۰ کتاب را در فهرست اولیه جایزه ادبی دوبلین ۲۰۲۴ جاداد.

به گزارش مهر به نقل از سایت جایزه دوبلین، ۷۰ کتاب به انتخاب ۸۰ کتابخانه از سراسر جهان برای جایزه ادبی دوبلین ۲۰۲۴ که توسط شورای شهر دوبلین اهدا می‌شود، نامزد شده‌اند. این جایزه امسال بیست و نهمین سال خود را پشت می‌گذارد و با اهدای جایزه‌ای به ارزش ۱۰۰ هزار یورو، از شمندترین جایزه سالانه جهان برای یک اثر داستانی منتشر شده به زبان انگلیسی است. فهرست اولیه جایزه دوبلین از کتابخانه‌های ۳۵ کشور از جمله آفریقا، اروپا، آسیا، آمریکا، کانادا، آمریکای جنوبی، استرالیا و نیوزیلند گردآوری شده و شامل ۳۱ رمان در حال ترجمه است. کاترین چیچی نویسنده نیوزیلندی در این فهرست برای ۲ رمان نامزد شده و ۴ رمان ایرلندی نیز در این فهرست جای دارند. ۳۱ کتاب ترجمه شده در این فهرست از ۱۴ زبان از جمله فلاندی، مجارستانی، رومانیایی، صربی و ترکی ترجمه شده‌اند.

رمان‌های نامزد شده در این فهرست از کتابخانه‌های شهر دوبلین و مجموعه کتاب‌های عمومی سراسر ایرلند در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد و برخی از آن‌ها را به صورت کتاب الکترونیکی و کتاب صوتی رایگان، در دسترس همه کاربران کتابخانه‌های عمومی است.

فراخوان جایزه ادبی «پرانتز»



فراخوان اولین دوره جایزه ادبی «پرانتز» منتشر شد.

به گزارش دبیرخانه «پرانتز»، اولین دوره این جایزه ادبی به بررسی و انتخاب بهترین آثار تألیفی (رمان، داستان بلند، مجموعه داستان کوتاه) در حیطه ادبیات گمانه‌زن (فانتزی)، علمی تخیلی، وحشت) در سه بخش کتاب اول، بزرگسال و جوان (خواهد پرداخت. از تمامی ناشران و نویسندگان ایران دعوت شده تا ۱۰ بهمن آثار واجد شرایط‌شان را به دبیرخانه جایزه «پرانتز» ارسال کنند. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر درباره نحوه ارسال آثار و شرایط اولیه جایزه، می‌توانند به www.Parantez-awards.ir مراجعه کنند.



و معنای عشق در شعر اونسیدن است، عشق در نگاه این شاعر خراسانی چیزی است که انگار در سال‌های دور اتفاق افتاده: «بودن/باتو/ همان قدر دور است / که زمرد / در بازار جواهر فروشان» توجه به معنا و پیرایه از شلختگی فرمالیستی گنججلی به شکل آگاهانه‌ای شعرش را وارد بازی‌های زبانی رایج و رادیکال این روزها نمی‌کند، معناگرایی برای او در درجه اول اهمیت است و با این که توانایی بازی‌های زبانی در شعر را دارد اما تا آن جا که بتواند از آن بهره‌گیری کند: «کاش می‌توانستم برایم بخندی...»

او روایت در شعر را دوست دارد و خاصیت روایت، انسجام آن است، کسی که راوی خوبی باشد قطعاً شعرش فرم منسجمی دارد و نیازی نمی‌بیند که بیهوده به سمت شلختگی و بی‌نظمی‌های فرمالیستی برود و شعر را دچار پیچیده‌گویی‌های بیهوده کند:

«در کغروب / از حوصله دیواری که تیرباران شده / خارج است / حال سر کرده باغیان را دارم علی مراد! / وقتی جسد هم قطارانش را / از دروازه شهر آویزان کردند»

خلاصه این‌که جواد گنججلی در کوران میان‌سال، کماکان طبع سربازی دارد و به قول حافظ همچنان شعرش تر است حتی اگر خاطرش حزین باشد. مجموعه شعر «موهبت غریب‌وال بودن» هفتمین کتاب جواد گنججلی است که به‌تازگی توسط نشر «واج» منتشر شده است.

موهبت غریب وال بودن

نگاهی به تازه‌ترین اثر جواد گنججلی که در روزهای گذشته وارد بازار نشر شده است

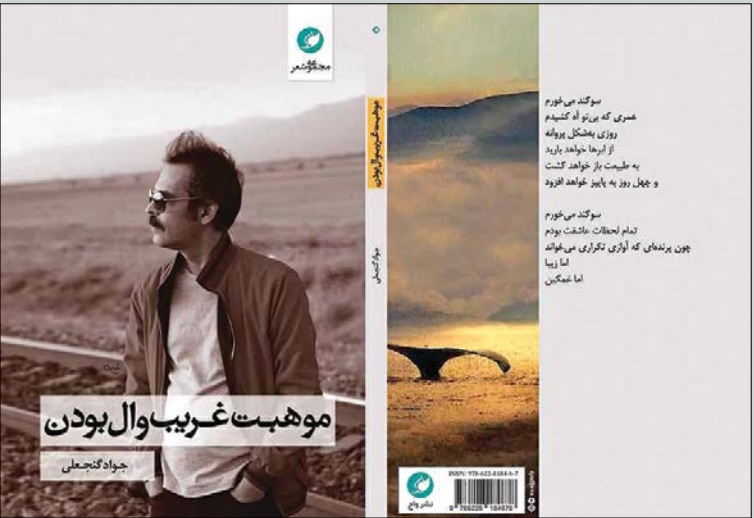


حیدر کاسی

calture@khorasannews.com

«دوست دارم بدانم / سیاهی چشمانت به روزگار کدام شاعر برمی‌گردد» جواد گنججلی، یکی از شاعران موفق خراسانی است که پس از چاپ مجموعه غزل «دری بر پاشنه اندوه» که در زمان خودش اثری متفاوت به شمار می‌آمد و همچنین انتشار اولین مجموعه سپیدش چنان انتظارها را بالا برد که در ادامه کار را برای خودش سخت کرد؛ اما او انگار همواره چشم‌انداز خاص خودش را در ادبیات دنبال می‌کند و در هر مجموعه شعری خبر دارد مخاطبش از او چه می‌خواهد. او در مجموعه غزل «دری بر پاشنه اندوه» جهان‌بینی و نگرش عاشقانه شاعر را که در آن زبانی فاخر با واژگان امروزی تلفیق شده است به نمایش می‌گذارد و در ادامه در کتاب دومش، یعنی «پرچم سفید متأسف» در باب جنگ سخن می‌گوید و این کتاب نمای دیگری از دغدغه‌های شاعر را در جهانی نازآزم بر ملا می‌کند. این شاعر خراسانی در کتاب سومش نیز مخاطب را با جهانی متفاوت روبه‌رو می‌کند، او در

مجموعه شعر «صدای محزون موزیک در هدفون» مخاطب را به دوران کودکی برده و او را درگیر حسرت‌هایی نوستالژیک می‌کند. این روند همواره در همه کتاب‌های جواد گنججلی ادامه داشته و نشان‌دهنده این واقعیت است که او برای هر کتاب مجموعه شعر، سناریوی خاص داشته و از همان صفحات ابتدایی کتاب می‌خواهد نقش جدیدی ایفا کند.



در مجموعه شعر سپید «موهبت غریب وال بودن» گنججلی، شعبده‌های تازه‌تری از شعرش را رو می‌کند: «توداری می‌آیی / روستا سر گذاشته بر دامن کوه / و چشم از جاده بر نمی‌دارد / حتماً تو می‌آیی که باد / دارد پرچم دبستان را از جا می‌کند»

تپیدن قلبی که بر درخت کندیم یکی از ویژگی‌های شعر گنججلی تصویرهای

بسیار متفاوت و بدیع است، تصاویری از آن دست که احتمالاً خود شاعر هم گاهی از آن‌ها شگفت‌زده شده و به وجد می‌آید و ترکیه انگار فرد دیگری در ذهن شاعر زندگی می‌کند و او هم‌زمان چند نفر دیگر هم هست: «به سگان بدخلق ده / به سینه کش گرم کوه / به تندخو بی‌ات بین دوپوسه / سلام بلند مرا برسان / نیستی بینی / قلبی که بر تنه گردو کنده بودیم / به درخت پیوند خورده / و می‌تپد، تپیدن قلبی که به درخت پیوند خورده آن قدر زنده و سوزناک است که مخاطب اگر نمی‌تواند را در حافظه بلند مدتش نگه ندارد

او در جایی دیگر می‌گوید «به خدا دیوانه نیستم / نام‌تورا که می‌برم / قلب این درخت تندتر می‌زند»

شعر گنججلی به دلیل تسلط در سرودن در قالب‌های سنتی و به‌روزرسانی فاخرو آهنگین همواره اصالتی خراسانی داشته و در فضایی بین ادبیات مدرن و سنتی در رفت‌وآمد است:

«زنی آن‌چنان که تویی می‌تواند / جنگی بزرگ را فروبشاند / من کشته‌تو آمان اوهام و واقعیت ام / و جنازه‌ام را در نماز باید...»

معشوقه در شعرهای این شاعر، ضمن این که قداست داشته، یک کارگردان اساطیر گونه هم دارد